

- ۲ - خط آتش بس تعیین گردد .
- ۳ - بمنظور مراجعه بآراء عمومی ، ایالت هر یو رخلع صلاح شود .
- ۴ - مراجعه بآراء عمومی بطور آزادانه و بیطرفانه بعمل آید و تمایل اهالی کشمیر بهر یک از دولتی ، بیشتر بود بان ملحق گردد .

این قطعنامه را هندوپاکستان ، هر دو پذیرفتند و جنگ خاتمه یافت و علاوه بر این قطعنامه که در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۴۸ صادر گردید ، در تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۴۹ ، شورای امنیت قطعنامه دیگری صادر نمود و طی آن چنین اعلام داشت : « کمیسیون سازمان ملل متحد مأمور رسیدگی باختلاف هند و پاکستان ، از حکومت های هند و پاکستان نامه هایی حاکی از قبول اصول زیرین که مکمل قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ کمیسیون میباشد ؛ دریافت داشته است :

- ۱ - مسئله الحاق استان جامو و کشمیر به هند یا پاکستان ، بشوئه دمکراتیک با یکدیگر فراندوم آزاد و بیطرفانه حل خواهد شد .

۲ - رفتار دوم هنگامی بعمل خواهد آمد که بشخص کمیسیون ؛ ترتیبات آتش بس و متارکه جنگ ، اجرایشده و ترتیبات فراندوم تحقق یافته باشد (۱) .

سخنان نهر و

علاوه بر اعضاء و پذیرفتن این قطعنامهها از طرف هند ، خود نهر و در نوامبر سال ۱۹۴۷ از راه یو دهلی جدید رسماً اعلام داشت که : « سیاست و روش ما در مورد ایالات ، اگر نژاعی در انضمام آنها بیکی از دولت پیش آمد ، آنست که تصمیم نهائی را به هدمت آن ایالت بگذاریم و همین ملت ، کشمیر نیز سر نوشت نهائی خود را ، خود باید تعیین کند ، ما حاضریم که پس از آتش بس ، در تحت نظر نمایندگان سازمان ملل به آراء عمومی رجوع کنیم ، ناحق و عدالت اجرایشود و ما آنرا بپذیریم . »

نهر و باز در سال ۱۹۵۱ در کنفره هند اعلام داشت : « کشمیر غنیمتی نیست که هند یا پاکستان آنرا ببرد و تقسیم نمایند و یا بر سر آن معامله کنند ؛ بلکه کشمیر آزاد است و باید مردم آن راه خود را انتخاب کنند و ی باز در سال ۱۹۵۵ در پارلمان هند اعلام نمود که : « بدون موافقت و نظر مردم کشمیر ، نباید درباره آن تصمیمی گرفت ، (۲)

(۱) کلیاتی از اوضاع پاکستان تألیف عبدالعظیم ولیان چاپ دوم صفحه ۱۰۸

(۲) : سخنان نهر و از « قضیه کشمیر » که بیانات شیخ محمد عبدالله در کنفره اسلامی مکه مسئله امسال میباشد . ترجمه و اقتباس شد . شیخ محمد عبدالله هنگام مراجعت از حج ، در فرودگاه دهلی خودستگیر و بیکی از زندانهای هند در مدرسه منتقل شد و میرزا محمد افضل بیگ معاون وی بزندان در سریناگار - کشمیر انتقال یافت ؛ و این نمونه دیگریست از مفهوم آزادی مسلمانان در هند جدید !

سیدنا دی خورشاهی



مسئله کشمیر در سازمان ملل متحد

در شماره قبل گفتیم که مهاراجه هندوی کشمیر ، بهمراهی هم کیشان خود و نیروهای انتظامی هند ، بکشتار بی رحمانه مسلمانان کشمیر دست زدند و این اقدام ضد انسانی موجب شد که نیروهای ملی پاکستان بکمکم مردم کشمیر بشتابند و در نتیجه جنگ سختی بین هند و پاکستان در گرفت . . .

در شورای امنیت

پس از آنکه آتش جنگ بین هند و پاکستان شعله ور گردید ، در ۵ ژانویه سال ۱۹۴۸ میلادی هند بشنوان شاکی علیه پاکستان ، مسئله کشمیر را در شورای امنیت سازمان ملل ، مطرح ساخت . نماینده هند ، موسوم به دگوپالاسوامی ایاگر ، در تعلق خود در شورای امنیت گفت : « الحاق کشمیر به هند یا پاکستان و یا خود مختاری آن و سپس تقاضای عضویت در سازمان ملل ، پس از آنکه اوضاع بحال عادی برگشت حق طبیعی مردم کشمیر است و با انتخابات آزاد باید عملی شود . (۱)

... شورای امنیت پس از مذاکراتی قطعنامه ای در آن هنگام در مورد کشمیر صادر نمود که در آن چنین توصیه شده بود :

۱ - آتش بس در کشمیر اعلام شود .

(۱) : از « قضیه کشمیر » نوشته شیخ محمد عبدالله نخست وزیر زندانی کشمیر .

چنین بود نظریه نهر و ، نخست وزیر ملحد دوست هند که میخواست نظریه خود را در باره کشمیر بمورد اجراء آورد، ولی متأسفانه باندافراطیون مرتجع دهلی نو ، راه نهر و را منحرف ساختند و بازو سر نیزه نه فقط نگذاشتند که مردم مسلمان کشمیر سر نوشت خود را تعیین کنند بلکه امروز بخاطر سرکوب ساختن جنبش آزاد بخش ملی آن مجاهدان اسلامی ، به تجاوز دیگری متوسل شده و بمردم پاکستان حمله نموده دستهای خود را تا مرفق در خون مسلمانان بیگناه فرو بردند .

هند بدون درک عمق نهضت آزاد بخش مردم کشمیر و ایمان مجاهدان مسلمان ، بازو سر نیزه میخواست آنرا بکوبد و مانند فرانسه که روزگاری ادعا میکرد الجزائر جز خاک فرانسه است ؛ ، مدعی است که کشمیر یکی از ایالات هند است ؛ ، ولی اگر ملت کشمیر نخواهد که وابسته بهند باشد ، بخوبی خواهد توانست که استقلال خود را بدست آورد ؛ چنانکه الجزائر و سرزمینهای اشغال شده دیگر در آسیا و افریقا ، امریکای لاتین ؛ در سایه جهاد ملی ، آزادی و استقلال خود را باز یافتند .

این فتوای محتوم تاریخ است . و حقیقتی است که هند دیر یا زود آنرا خواهد پذیرفت و استقلال مردم کشمیر را بر سمیت خواهد شناخت ؛ .

قضایوت کنید !

چنانکه گفته شد ؛ با اینکه اکثریت مردم کشمیر مسلمانند ، ولی چون در موقع تقسیم شبه قاره هند ، حاکم آن «هندو» بود و طبق توطئه قبلی ، الحاق خود را به هندوستان اعلام داشت ، هند به بهانه اینکه نظریه مهاراجه قاطع و خلال ناپذیر است ؛ باین ناحیه لشکر کشی نمود و آنجا را اشغال کرد .

ولی در مورد ایالت «حیدرآباد دکن» که ۱۷ میلیون جمعیت و مساحتی باندازه آلمان داشت و حکمران آن مردمی مسلمان بنام «نظام حیدرآباد» بود پس از تقسیم شبه قاره ، طبق قانون تقسیم ، تصمیم گرفت که تمامش مستقل باشد و به بیچیک از دولت هند و پاکستان ملحق نشود و این موضوع را رسماً اعلام نمود ، چنان شد و هند نظریه حاکم حیدرآباد را چون مسلمان بود ، قاطع و خلال ناپذیر ، ندانست و به حیدرآباد لشکر کشی نمود و آنجا را هم اشغال کرد و بحکومت اسلامی این ایالت نیز خاتمه داد .

و همچنین «ایالت جونا گره» که اکثریت مردم آن هندو بودند و حکمرانش مسلمان

(بقیه در صفحه ۴۱)

است این شخص باید شش هزار تومان بپردازد در حالیکه درآمد سالانه او بیش از ده هزار تومان نبوده و آن ده هزار تومان را با اضافه پنج هزار تومان استقراضی صرف احتیاجات زندگی کرده است. بنا بر این چنین شخصی پس از یکسال شش هزار تومان کسر بودجه دارد. این شش هزار تومان با چهار هزار آمد ده هزار تومان سالانه آینده او کم خواهد شد و برای او در سال آینده بیش از چهار هزار تومان که ابدأ پاسخ احتیاجات زندگی او را نمیدهد باقی نخواهد ماند. چنین شخصی بعلت عدم توانائی آنقدر در پرداخت وام و سود آن درنگ و امروز فردا خواهد کرد که بوقت خواهد دید همه عسلی و دارائی او روی حسابی که بیان شد از دستش رفته و برای ناسب معطل مانده است.

دارائی و درآمد سودیده کجا رفت؟ بچی با خوار! این ربا خوار بود که تمام دارائی و درآمد او را بعنوان سود ازاو گرفت او را بخواک سیاه فقر نشانید؛ در نتیجه سودیده فقیر و در مانده شد و سود بگیر صاحب ثروت باد آورده کلانی گردید، بدین ترتیب ملاحظه میشود که نتیجه اینگونه ربا خواری جز فقیر شدن سودبدهان و سرمایه دار شدن سود بگیران و نشدید، با اختلاف طبقاتی غلط نیست، ربا خواران وقتی از این راه سرمایه ای بدست آورده آنرا در توسعه ربا خواری خود بکار اندازند. با نوع سیستم سرمایه داری خطر ناکی بوجود خواهد آمد که ابداهم جنبه تولیدی ندارد (این بحث ادامه دارد).

(بقیه از صفحه ۳۴)

بود و تصمیم داشت که به پاکستان ملحق شود و الحاق ایالت خود را هم به پاکستان اعلام نمود و دولت پاکستان نیز آنرا پذیرفت؛ ولی دولت هند به بهانه آنکه اکثریت مردم این ایالت هند هستند و نظر به اکثریت مردم؛ نه شخص حکمران، ارزش دارد، تیره های مسلح خود را باین ایالت گسیل داشت و آنجا را نیز اشغال نمود و به حکومت اسلامی این ایالت نیز پایان داد!

اکنون ما قضاوت را بعهده شما خواننده عزیز میگذاریم و از شما میخواهیم که خود در باره روش متناقض و در عین حال تجاوز کارانه هند در مورد ایالات: کشمیر، حیدرآباد و جوناگر، مطالعه نموده و عادلانه و منصفانه داوری کنید.

بنظر ما اگر شما هم حقیقت وضع کشمیر و کیفیت تقسیم شبه قاره هند را بررسی کنید، معتقد خواهید شد که در چنین شرائطی اکنون برای حل مسئله کشمیر و پایان دادن به جنگ و جدال، راهی جز مراجعه بآراء عمومی و رفرا ندوم آزاد، وجود خارجی ندارد.

«پایان»